

پژوهشی دربارهٔ جعل در نسخ خطی ایران با تأکید ویژه بر نسخ مصوّر

محمد رضا غیاثیان *

چکیده

در دهه‌های آغازین قرن بیستم که نقطهٔ اوج خروج اشیاء عتیقه از ایران بود، جعل آثار هنری به پدیده‌ای شایع تبدیل شد. یکی از رایج‌ترین اشیاء مورد توجه جعلان، نسخ خطی مصوّر بودند چراکه قیمت‌های بالاتری داشتند. البته جعل در نسخ خطی در دوره‌های تاریخی هم سابقه داشته که ماهیت آن با دورهٔ مدرن متفاوت است. مهم‌ترین تفاوت جعل در دوران مدرن با سده‌های پیشین در این است که جعل در عصر مدرن به دنبال فریب مشتریان بوده و تلاش می‌کرده است که اثری از هویت خود به‌جا نگذارد و کار خود را به‌گونه‌ای انجام می‌دهد که از نظر سبک‌شناسی متعلق به دورهٔ تاریخی خاصی به نظر برسد. این نوشتار با دسته‌بندی انواع جعل در نسخ خطی مصوّر به دو گروه «تولید نسخهٔ کامل» و «دست‌کاری نسخ قدیمی» به پرسش‌هایی مانند دلایل و چگونگی جعل در دوره‌های تاریخی و عصر مدرن می‌پردازد. سپس با تمرکز بر دست‌کاری نسخ قدیمی، به شیوه‌های افزودن نقاشی به کتب اشاره می‌کند.

کلیدواژه‌ها: جعل نسخ خطی، نگارگری ایران، شاهنامهٔ بایسنغر، اندرزنامه، آرتور آپم پوپ

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۳۰

* استادیار گروه مطالعات عالی هنر دانشگاه کاشان / mrgh73@yahoo.com

مقدمه

دهه‌های آخر قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم نقطه اوج گردآوری آثار هنر اسلامی توسط مجموعه‌داران کشورهای غربی بود. طبق اسناد موجود، در آن مقطع تاریخی اشیاء هنری زیادی یا از طریق حفاری‌ها یا از طریق خرید آنها از مالکان بومی به اروپا و بعدها به آمریکا منتقل شد. در چنین فضایی، اکثر این اشیاء به‌طور علمی و باستان‌شناسانه استخراج نمی‌شدند و معمولاً محل کشف آنها نامعلوم بود و یا به خوبی مستند نمی‌شد. اگرچه اشیاء تاریخی از کشورهای ترکیه، مصر، هند، شمال آفریقا، سوریه و عراق به اروپا منتقل می‌شدند، اما آثار هنری ایران مورد توجه ویژه مجموعه‌داران و دلالان غربی بود.^۱ دلیل آن نیز فعالیت و رقابت گسترده باستان‌شناسان و محققانی چون آرتور اپم پوپ^۲ و همسرش فیلیس ایگرمن^۳، ارنست هرتسفلد^۴، ارنست کونل^۵، اریک شرودر^۶، اریک اشمیت^۷، دونالد ویلبر^۸، آندره گدار^۹ و مایرون اسمیت^{۱۰} در سرزمین ایران برای حفاری، کشف و یا مطالعه آثار تاریخی بود (نک. Hillenbrand, 2016).

زمینه آشنایی این محققان با هنر دوران اسلامی ایران نمایشگاه‌های بزرگی بود که در دهه‌های آغازین قرن بیستم در اروپا و آمریکا برگزار شد. از مهم‌ترین نمایشگاه‌هایی که در اروپا برپا شد به سه مورد می‌توان اشاره کرد: اولی نمایشگاه سترگ هنر اسلامی با نمایش

۱. برای پژوهش‌های تفصیلی در مورد تاریخچه گردآوری آثار هنر اسلامی در دنیای غرب، نک. Vernoit, 2000؛ و Kadoi, 2016.

2. Arthur Upham Pope (1881-1969).

3. Phyllis Ackerman (1893-1977).

4. Ernst Emil Herzfeld (1879-1948).

5. Ernst Kühnel (1882-1964).

6. Eric Schroeder (1904-1971).

7. Eric Schmidt (1897-1964).

۸. دونالد ویلبر (Donald Newton Wilber: 1907-1997) در اصل افسر و جاسوس سازمان سیا در ایران بود که

شهرتش به خاطر رهبری عملیات آزاکس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که به برکناری محمد مصدق نخست

وزیر انجامید.

9. André Godard (1881-1965).

10. Myron Bement Smith (1897-1970).

۳۶۰۰ اثر در شهر مونیخ در سال ۱۹۱۰ بود.^۱ نمایشگاه دیگری که به نگارگری ایران اختصاص داشت در موزه هنرهای تزئینی پاریس در سال ۱۹۱۲ برگزار شد.^۲ سومین رویداد، نمایشگاه بزرگ هنر ایران در خانهٔ برلینگتون^۳ در قلب لندن در سال ۱۹۳۱ بود. در این نمایشگاه مهم که سه هزار سال هنر ایران را نمایش می‌داد، حدود یکصد موزه و کتابخانه و سیصد مجموعه‌دار خصوصی آثار خود را به نمایش گذاشتند.^۴ در میان محققان نامبرده، آرتور پوپ نقش مهم‌تری در معرفی هنر ایران داشت. او در سال ۱۹۲۶ هم‌زمان با اولین «کنگرهٔ بین‌المللی هنر و معماری ایران»^۵ نمایشگاهی از آثار هنری ایران در موزهٔ پنسیلوانیا به راه انداخت و از همان‌جا بود که فکر تدوین کتاب عظیم بررسی هنر ایران به ذهنش خطور کرد (Siver, 2005).^۶

این نمایشگاه‌ها سبب شد تا فضایی رقابتی در میان مجموعه‌داران عمومی و خصوصی اروپایی و آمریکایی برای خرید آثار عتیقهٔ ایران ایجاد شود. در این بازار پررونق بین‌المللی هنر اسلامی، جعل آثار هنری به پدیده‌ای شایع تبدیل شد، که در حقیقت، باعث آن قیمت‌های هنگفتی بود که توسط دلالان، موزه‌ها و مجموعه‌داران پرداخت می‌شد. به نظر

۱. محصول این نمایشگاه (با عنوان: Die Ausstellung von Meisterwerken muhammedanischer Kunst) کاتالوگ سه جلدی به ویراستاری فردریش زاره و فردریک مارتین است (Sarre & Martin, 1912).
۲. بازده این نمایشگاه (Miniatures Persanes) کاتالوگ دو جلدی با تصاویر رنگی است که به تعداد محدود ۵۰۰ نسخه چاپ شد (Marteau & Vever, 1913).
۳. The Burlington House.
۴. در مورد این نمایشگاه، نک. Briggs et al., 1931.
۵. پوپ چهار دورهٔ دیگر این کنگره (International Congress of Iranian Art and Archaeology) را تا سال ۱۹۶۸ برگزار کرد.
۶. کتاب سترگ «بررسی هنر ایران» (A Survey of Persian Art: From Prehistoric Times to the Present) نهایتاً در سال ۱۹۳۸-۱۹۳۹ در قالب شش مجلد حجیم شامل ۲۸۱۷ صفحه متن (۱۱۵ فصل)، ۳۵۰۰ تصویر و ۱۹۳ لوح رنگی چاپ شد. در نگارش این کتاب ۷۲ محقق سرشناس از شانزده کشور به پوپ و همسرش یاری رساندند (Pope & Ackerman, 1938). این اثر در سال ۱۹۷۷ توسط انتشارات سروش تجدید چاپ شد. در سال ۱۳۸۷ش، ترجمهٔ فارسی آن (سیری در هنر ایران: از دوران پیش از تاریخ تا امروز) توسط انتشارات علمی فرهنگی در سیزده جلد منتشر شد.

می‌رسد که جعل در آثار هنری ایران بسیار بیشتر از سایر کشورهای اسلامی بوده است. اگرچه قوانینی بر ضد خروج اشیاء عتیقه در ایران، دولت عثمانی و سایر کشورهای اسلامی وضع شد، اما این قوانین جلوی خروج غیرقانونی آنها را نگرفت (Ghiasian, 2015: 892)؛ و (Graves, 2018: 91).

علاّمه محمد قزوینی اولین کسی است که مطالبی به‌اختصار در مورد جعل نسخ خطی ایران در حواشی کتاب چهار مقاله عروزی نوشته است (Qazvīnī, 1910). بعدها مجتبی مینوی در مقاله‌ای که به نسخه‌ای مجعول از اندرزنامه اختصاص داشت، اطلاعات مفیدی درباره پدیده جعل در ایران ارائه کرد (مینوی، ۱۳۳۵). در سال ۱۹۷۴ ریچارد فرای نیز فهرستی از نسخ خطی مجعول فارسی عرضه کرد (Frye, 1974). در سال‌های اخیر، محققانی چون فرانسیس ریشارد (۲۰۱۱)، شیلا بلر (۲۰۱۱) و مارگارت گریوز (۲۰۱۸) به جعل در آثار هنر اسلامی پرداخته‌اند. اما تا کنون آن چنان که باید و شاید این پدیده بررسی نشده است. پروای محققان از پرداختن به موضوع جعل آثار هنری به‌دلیل ملاحظات آنها نسبت به همکاران خود و نیز موزه‌ها و مجموعه‌دارها بوده است. عدم رعایت این ملاحظات، گاهی می‌تواند به از دست دادن فرصت شغلی و یا حتی دعوای قضایی علیه محقق منجر شود (مینوی، ۱۳۳۵: ۴۵۸؛ Graves, 2018: 93).

یکی از رایج‌ترین مقوله‌های جعل در دوران مدرن مربوط به نسخ خطی مصوّر است، زیرا، از طرفی، نقاشی مطلوب ذائقه غربی‌هاست و، از طرف دیگر، نسخ مصوّر قیمت‌های بالاتری دارند. کانون توجه مقاله حاضر نسخ خطی مصوّری است که به‌نوعی جعل در آنها صورت گرفته است. جامعه آماری موضوع پژوهش نسخه‌هایی بوده که در مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی در کتابخانه‌ها و موزه‌های چند کشور اروپایی بر نویسنده شناخته شده است. این مقاله نوشتار که برگرفته از سخنرانی نگارنده در دانشگاه توکیو (۳۰ اکتبر ۲۰۱۹) است، با طبقه‌بندی انواع جعل در نسخ خطی به پرسش‌هایی مانند علل و چگونگی جعل در دوره‌های تاریخی و عصر مدرن (از اواخر قرن نوزدهم میلادی به بعد) می‌پردازد. بررسی تأثیرات عمل جعل آثار نگارگری ایران در پژوهش‌های محققان نیز یکی دیگر از اهداف این مقاله است.

۱. جعل نسخ خطی در دوره‌های تاریخی

در دوره‌های تاریخی، نمونه‌های متعددی از جعل نامه‌ها و عهدنامه‌ها موجود است که معمولاً با انگیزه‌های سیاسی، مذهبی و حتی ادبی صورت می‌پذیرفت. این اسناد معمولاً مرتبط با تأسیس یک شهر، یک بنای مقدس، شجره‌نامهٔ یک پادشاه و غیره بوده که برای اثبات مالکیت یا تأمین منافع شخصی یا گروهی تولید شده است. به‌عنوان مثال، یاقوت حموی (د. ۶۲۶ق) در معجم الادباء داستان عهدنامه‌ای جعلی را تعریف کرده که یکی از یهودیان به خلیفهٔ عباسی القائم بامرالله (حک ۳۲۲-۳۳۴ق) گزارش کرده است. به‌موجب آن عهدنامه، حضرت رسول^(ص) جزیه را از یهودیان خیبر ساقط فرموده، و شهادت جمعی از صحابه نیز در آن عهدنامه مسطور بوده است (قزوینی، ۱۳۳۲: ۷۴۴).^۱ عهدنامه‌ای مجعول نیز میان حضرت علی^(ع) و چهل نفر از مسیحیان به دست آمده که تاریخ «صفر اربعین للهجره» دارد. علامه قزوینی با توجه به واقعیات تاریخی و نوع خط عهدنامه اثبات کرده که این سند در خلال سده‌های هفتم تا نهم هجری قمری نوشته شده است (همان: ۷۴۷).

ابن‌خلدون (د. ۸۰۸ق) از وژاکی به نام دانیالی در زمان مقتدر خلیفه عباسی (حک ۲۹۵-۳۱۷ق) در بغداد نام می‌برد که کاغذها را کهنه می‌کرد و به خط عتیق‌نما بر آن می‌نوشت (مینوی، ۱۳۳۵: ۴۵۵). در قابوس‌نامه نیز حکایت کاتبی در دیوان صاحب بن عبّاد (د. ۳۸۵ق) آمده است که تزویر یا خط‌سازی می‌کرد (همان: ۴۵۵-۴۵۶). گاهی نیز جعل‌ها به قصد خیر و نه تزویر بوده‌اند. مثلاً زمانی که خوشنویس مشهور، ابن‌بؤاب (د. ۴۱۳ق)، سرپرست کتابخانهٔ بهاء‌الدوله در شیراز بوده یک جزء مفقودشده از مصحفی را که ابن‌مقله (د. ۳۲۸ق) نوشته بود، کتابت کرد. ابن‌بؤاب خط ابن‌مقله را به‌گونه‌ای ماهرانه تقلید کرد که بهاء‌الدوله نمی‌توانست کار او را بازشناسد. ابن‌مقله توضیح داده که ابن‌بؤاب به کاغذ و رنگ طلایی تذهیب جلوه‌ای کهنه داده و دوباره نسخه را تجلید کرده است (Rice, 1955: 7).

۱. وزیر القائم بامر الله عهدنامه را به خطیب بغدادی عرضه داشت و او آن را مصنوعی خواند، زیرا از جمله شهادت در این متن، شهادت معاویه بود که یک سال پس از فتح خیبر اسلام آورد. شهادت دیگر نیز مربوط به سعد بن معاذ بوده که یک سال قبل از واقعهٔ خیبر وفات نموده بود (قزوینی، ۱۳۳۲: ۷۴۴).

تقلید ماهرانه آثار خوشنویسان معروف در دوره‌های تاریخی می‌تواند در اصالت برخی از ترقیمه‌ها و انجامه‌های نسخ خطی ایجاد تردید کند. در دوره‌های تیموری و صفوی، حمایت طبقه درباری از هنرمندان سبب شهرت آنان و رواج سنت مرقع‌سازی شد. سنت گردآوری آثار خوشنویسی و نقاشی در قالب مرقع و انتساب آنها به هنرمندان معروف سبب بروز پدیده امضاهاى مجعول شد.^۱

نسخ خطی مصور نیز در دوره‌های تاریخی دستخوش جعل می‌شدند. اگرچه در بیشتر موارد، نقاشی‌های نسخ خطی در همان مکان و زمان کتابت نسخه کار می‌شدند، اما گاهی نقاشی‌ها در دوره‌های بعد بر روی متن نوشتار یا فضای خالی موجود و یا حتی روی نگاره‌های قدیمی‌تر افزوده می‌شدند. برای افزودن نقاشی روی نقاشی‌های قدیمی‌تر، می‌توان نسخه‌ای از جامع التواریخ کتابت‌شده در ۷۱۷ق/۱۳۱۷م و محفوظ در کتابخانه کاخ توپکاپی (ش: خزینه ۱۶۵۴) را مثال زد. از آنجایی که تاریخ انجام این نسخه یک سال قبل از اعدام رشیدالدین است، احتمالاً حدود هفت نقاشی در آغاز آن افزوده شده (که امروزه تنها سه فقره از آن باقی مانده) و باقی فضاهای در نظر گرفته شده برای نقاشی‌ها خالی مانده بود. در اواخر سده هشتم/چهاردهم، شخصی ناشناس این فضاهای خالی را با نقاشی‌های خام‌دستانه‌ای پر کرده است. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که در ربع اول سده نهم/پانزدهم، این نسخه در کتابخانه شاهرخ (حک ۸۵۰-۸۰۷ق) پادشاه تیموری نوسازی شده و بسیاری از نقاشی‌های قدیمی آن یا مرمت، یا روی آنها مجدداً رنگ‌گذاری شده است (Ghiasian, 2018b: 403-404). نسخه ناتمام دیگری از جامع التواریخ (توپکاپی: خزینه ۱۶۵۳) نیز در کتابخانه شاهرخ بوده که نقاشی‌هایی به فضاهای خالی آن افزوده شده است (نک. غیاثیان، ۱۳۹۸).

کتاب قدیمی زیادی در کتابخانه شاهرخ گردآوری شده بود اما انجامه‌های آنها دست‌کاری نمی‌شد و به افزودن چند مهر و گاهی شمسه به نام شاهرخ اکتفا می‌شد،^۲ اما در

۱. برای تحقیق مفصل در مورد سنت مرقع‌سازی در ایران، نک. Roxburgh, 2005.

۲. برای فهرست کتب موجود در کتابخانه شاهرخ، نک. Ghiasian, 2018a: 25-44.

دهه‌ها یا سده‌های بعد، گاهی انجامه‌ها جعل می‌شدند. به‌عنوان نمونه می‌توان به نسخه‌ای شامل شاهنامه‌ی فردوسی، خمسة نظامی و لغت الفرس در کتابخانه‌ی کاخ توپکاپی (ش: خزینه ۱۵۱۰) اشاره کرد. این نسخه در اصل برای آخرین حاکم مظفریان، جلال‌الدین شاه شجاع (حک ۷۶۵-۷۸۶ق) تولید شده است. شمس‌ای که حاوی نام سفارش‌دهنده کتاب است، با لایه‌ای از تذهیب و کتیبه‌ای به نام سلطان حسین بایقرا (حک ۸۷۳-۹۱۱ق) پوشانده شده و تواریخ دو انجامه آن نیز دست‌کاری شده‌اند. مثلاً، تاریخ اصلی انجامه بخش خمه «ست و سبعین و سبعمائه (۷۷۶ق)» بوده که کلمه سبعین پاک شده و نقطه‌های «سبعمائه» به «ست و تسعمائه (۹۰۳)» تغییر یافته است (Soucek & Çağman, 1995: 182-183). پریسیلا سوچک و فیلیز چغمن این فرضیه را مطرح کرده‌اند که دخل و تصرف‌ها تلاشی برای «تیموری‌سازی» یک نسخه مظفری بوده است (همان: ۲۰۳). علاوه بر این، احتمالاً در تبریز و یا استانبول ۲۱ نقاشی به سبک صفوی بر روی متن بخش شاهنامه این نسخه افزوده شده است.

۲. جعل نسخ خطی در عصر مدرن

علامه قزوینی در حواشی کتاب چهار مقاله عروضی سمرقندی از مردی نقل می‌کند که می‌گفته: «والد ما هنری مخصوص داشت. هر نسخه خطی از مصنفین قدیم که چند ورق از اول یا آخر یا وسط آن افتاده بود آن را به مرحوم والد می‌دادند و او در عرض یک دو شب آن چند ورق افتاده را به همان اسلوب باقی کتاب انشاء نموده به کتاب ملحق می‌ساخت و چنان شبیه به سایر ابواب و فصول کتاب بود که هیچ‌کس از فضلا و علما نمی‌توانست تمیز بدهد که این اوراق از اصل کتاب است یا ملحق به آن» (Qazvīnī, 1910: 172). بعدها مجتبی مینوی در مقاله‌ای با عنوان «کاپوس‌نامه فرای: تمرینی در فن تزویرشناسی» تلاش کرد تا هویت فرد مذکور را شناسایی کند. او نسخه‌ای از رساله معینیه خواجه نصیرالدین طوسی (د. ۶۷۲ق) و شرح مشکلات آن را در کتابخانه ملی ملک یافت که در آخر آن، عبارت زیر نوشته شده است: «خطوط کوفی این رساله عملیات مرحوم صدر الافاضل است

و از این گونه عملیات در کتب از آن مرحوم بسیار. و انا الاقلّ حسین بن محمد کاظم ملک التّجار عفی عنه. از مجدالدین پسرش خریداری شد» (مینوی، ۱۳۳۵: ۴۵۶). مینوی می‌افزاید که این مجدالدین «هنوز در حیات است و خطوط مختلف را می‌نویسد و حتی رساله‌ای در فن خط با نمونه‌های مختلف به چاپ سنگی منتشر کرده است؛ و فعلاً در دهکده‌ای در جوار طهران منزل دارد و فرزندان او به نام خانوادگی نصیری کتب خطی قدیم و اشیاء عتیقه می‌فروشند و عده‌ای از قبل ایشان نان می‌خورند» (همان: ۴۵۶-۴۵۷). مینوی در مقاله خود تعدادی از این نسخ خطی مجعول را نام می‌برد:

در اصفهان یا در دهکده‌ای در جوار طهران، یا شاید در هر دو جا و در جای‌های دیگری نیز، یک یا چند کارگاه از برای جعل و تزویر و ساخته‌کاری انواع اجناس عتیقه تقلبی برپا شده است و گروهی از پیشه‌وران ماهر و بی‌وجدان دائماً مشغول کارند و گاه‌به‌گاه از کار ایشان اثری به خارج ایران می‌رود یا در خود ایران جلوه‌گر می‌شود. از آن جمله است دیوان معزی که آقای فرای خرید و به آمریکا برد، و دیوان فطران به خط انوری که آقای دکتر بیانی مدیر کتابخانه ملی درباره آن مقاله‌ای نگاشته و آن را اصیل و صحیح‌التّسبب تشخیص داده است، و کتاب موسوم به الهدایة و الضّلاله منسوب به صاحب ابن عبّاد که متن آن را حسین علی محفوظ چاپ کرده است (همان: ۴۵۴-۴۵۵).

چند سال پس از نگارش مقاله مهم کاپوس‌نامه، مجتبی مینوی در یادداشت کوتاهی که در مجله راهنمای کتاب چاپ کرد، تعدادی دیگر از نسخ ساختگی از جمله معراج‌نامه منسوب به ابن سینا به خط امام فخر رازی مورخ ۵۸۴ق، المناجات الالهیات عن امیرالمؤمنین و حداقل پنج نسخه از رباعیات خیام را نام برد (مینوی، ۱۳۴۲).

در ۱۹۷۴، ریچارد فرای نیز در مقاله کوتاهی تعدادی نسخه مجعول را بدین شرح نام برده است: آراء اهل المدينة الفاضلة ابونصر فارابی به خط خود او، چهار رساله ابن سینا به خط عمر خیام مورخ ۴۷۵ق/۱۰۸۲م، مجموعه اشعار امام زین‌العابدین^(ع) مورخ ۲۹۹ق/۹۱۱م، کتاب الادریس به تاریخ ۳۷۲ق/۹۸۲م، مختصر کتاب التواریخ محمد بن نعمان حارثی مورخ ۳۸۹ق/۹۹۸م و نسخه مصور دیوان امیر معزی به تاریخ ۵۵۱ق/۱۱۵۶م با شانزده نقاشی (Frye, 1974).

جعل نسخ خطی در عصر مدرن، هم کتب مصوّر و هم نامصوّر را شامل می‌شود. یکی از شیوه‌های رایج جعل در کتب نامصوّر افزودن انجامه یا ترقیمه به نسخه‌های بدون تاریخ بوده است. گاهی نیز به منظور بالا بردن ارزش یک نسخه، تاریخ انجام آن دست‌کاری شده یا نام شخصی به آن اضافه می‌شود. به عنوان مثال، نسخهٔ دیوان خاقانی در کتابخانهٔ بریتانیا (Or. 7942) که در سال ۶۶۴ هجری کتابت شده، تاریخ قدیمی‌تری به سال ۵۹۴ هجری در درون یک شمسۀ مذهب بدان افزوده شده است (Richard, 2011). یکی دیگر از روش‌های افزایش قیمت یک کتاب، معرفی آن به عنوان دست‌نوشتهٔ شخص مؤلف یا نسخهٔ متعلق به خود او بوده است. نسخه‌شناسان با بررسی دقیق ویژگی‌های خوشنویسی، قادر به تشخیص این نوع از جعل هستند. از آن‌جا که تمرکز این مقاله بر نسخ خطی مصوّر است، در ادامه به انواع شیوه‌های جعل در کتب مصوّر می‌پردازد.

۱.۲. جعل نسخهٔ کامل

تعداد نسخه‌های مصوّری که به طور کامل جعل شده‌اند بسیار اندک است، که از جمله می‌توان دیوان امیر معزی به تاریخ ۵۵۱ق، با شانزده نقاشی را نام برد. اطلاعات چندانی از این نسخه در دست نیست جز این که ریچارد فرای گفته که آن را از فخرالدین نصیری برای کتابخانهٔ هوتون^۱ در هاروارد خریده است (Frye, 1971: 16).^۲ اما نمونهٔ دیگر، نسخه‌ای معروف به اندرزنامه یا کاپوس نامه است که در نیمهٔ قرن بیستم جنجال زیادی به پا کرد. این

1. Houghton Library at Harvard.

۲. فرای در پی‌نوشت اول همین مقاله تعدادی از نسخه‌هایی که در خانهٔ فخرالدین نصیری دیده بوده را نام برده است. جالب این‌که او ادعا کرده که «این کتاب به عنوان تنها نسخهٔ مهمی که تا کنون در ایران یا هر جای دیگر خریداری کرده‌ام به صورت دقیق توسط متخصصان کاخ گلستان و نیز مهدی بیانی از کتابخانهٔ ملی و دیگران مورد بررسی قرار گرفته و برای صادرات تأیید شده است» (Frye, 1971: 16). همچنین مجتبی مینوی اشاره کرده که نامه‌ای از فرای به کتابخانهٔ ملی بدین محتوا رسید که در نسخهٔ دیوان امیر معزی که کتابخانهٔ ملی تصدیق ضمنی اصالت آن را کرده، آبی پروس به کار رفته است. کتابخانهٔ ملی نیز جوابی بدین مضمون داده که اگر دیوان معزی را اصیل می‌دانستیم اجازهٔ خروج آن را نمی‌دادیم. شما فقط اجازهٔ خروج خواسته بودید که ما دادیم و رأی ما در اصالت یا جعل آن را نپرسیدید (مینوی، ۱۳۳۵: ۴۵۲-۴۵۳).

نسخه را در سال ۱۹۵۳ ریچارد فرای در تهران خریداری و به آمریکا منتقل کرد. در آمریکا کتاب به دو پاره نامساوی قسمت شد و بخشی از آن به مجموعه هاگوپ کورکیان^۱ به قیمت هفتاد هزار دلار و بخشی دیگر به موزه هنر سین سیناتی^۲ فروخته شد (Graves, 2018: 92). از آن جا که در مقدمه این نسخه، نام نویسنده کاپوس بن قابوس ثبت شده، این کتاب نام «کاپوس نامه» گرفت.^۳ این نسخه دارای تاریخ انجام ۴۸۳ق/۱۰۹۰م و ۱۰۹ مجلس تصویر است (تصاویر ۱ و ۲). اگر این کتاب اصالت می داشت کهن ترین نسخه مصور فارسی بود و تاریخ نگارگری ایران را بیش از یک قرن به عقب می برد. مجتبی مینوی با بررسی متن نسخه و غلط های نوشتاری کلمات پهلوی آن نشان داد که منبع الهام کاپوس نامه، جلد اول کتاب سبک شناسی ملک الشعرا بهار بوده که در سال ۱۳۲۱ش/۱۹۴۲م در تهران چاپ شده و به همین دلیل به خوبی اثبات کرد که کاپوس نامه را پس از سال ۱۹۴۲ میلادی تزویر و تحریر کرده اند (مینوی، ۱۳۳۵: ۴۸۱-۴۹۰).

در سال ۱۹۶۰ آرتور پوپ که از اصالت این نسخه دفاع می کرد، با دعوت از محققان سرشناس، همایشی به منظور بررسی جنبه های مختلف اندرزنامه در «کنگره بین المللی هنر و باستان شناسی ایران»^۴ در نیویورک برگزار کرد. مقالات این همایش که یازده سال بعد در قالب جلد سیزدهم کتاب «بررسی هنر ایران» منتشر شد، بیش از آن که به دفاع از نسخه بپردازد، اصالت آن را خدشه دار کرد (Pope & Ackerman, 1971). در مقالات این مجلد، آرتور پوپ، فیلیس ایگرم، لیندا بتمن^۵ و آلک گرابار^۶ به طور مستقیم یا غیر مستقیم از اندرزنامه دفاع کرده اند. اما احسان یارشاطر و ریچارد فرای به متن نسخه ایراد گرفتند. ریچارد اتینگهاوزن با بررسی سبک شناسی نقاشی ها ثابت کرد که نقاشی های اندرزنامه از نسخ خطی مصور مربوط به سده های هفتم و هشتم هجری الهام گرفته که در زمان ظهور نسخه در کتب

1. Hagop Kevorkian (d. 1962).

2. Cincinnati Art Museum.

۳. نام اصلی مؤلف کتاب، کی کاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر است.

4. International Congress of Iranian Art and Archaeology.

5. Linda Bettman.

6. Oleg Grabar (1929-2011).

مختلف منتشر شده بودند. او همچنین به شباهت قابل توجه نقاشی‌های اندرزنامه با نقوش سفالینه‌های نیشابور اشاره کرده که در دههٔ سوم قرن بیستم وارد حراجی‌های اروپا شد (Ettinghausen, 1971). روترفرد گتنز با آزمایش پیگمنت‌های نقاشی‌ها، ضربهٔ نهایی را به اندرزنامه زد. او نشان داد که در برخی از نقاشی‌ها از آبی پروس استفاده شده که برای اولین بار در آغاز قرن هجدهم میلادی کشف شده است (Gettens, 1971).



تصویر ۱. انجامهٔ نسخهٔ مجعول اندرزنامه، بخشی از برگ ۱۷۹پ، به تاریخ ۴۸۳ق/۱۰۹۰م
(منبع: Gettens, 1971: 58).



تصویر ۲. نسخهٔ مجعول اندرزنامه، بخشی از برگ ۱۴۵ (منبع: Gettens, 1971: 60).

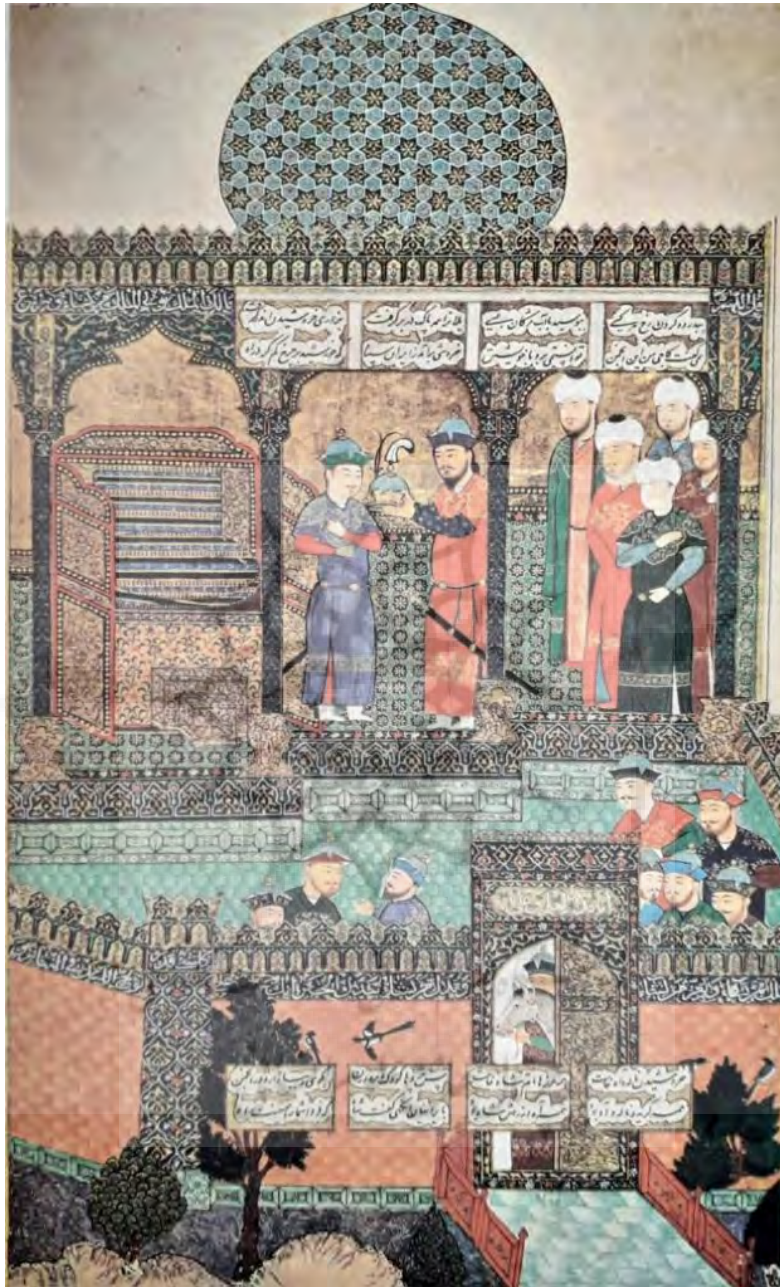
۲.۲. افزودن نقاشی به کتب قدیمی

اندرزنامه یک سال پس از ظهور، به‌عنوان اثر جعلی تولید شده در قرن بیستم شناخته شد. تا آن‌جا که می‌دانیم پس از رسوا شدن اندرزنامه، هیچ نسخهٔ کامل مجعولی به بازار عرضه نشد (Graves, 2018: 96). آنچه بیشتر رواج داشته افزودن نقاشی‌ها به نسخه‌های قدیمی مصوّر یا نامصوّر است. در برخی موارد، جَعَال نقاشی‌هایی را به فضاهای خالی در نظر گرفته شده برای نقاشی در یک نسخهٔ ناتمام اضافه می‌کند، که نمونهٔ آن نسخه‌ای از شاهنامه است که در سال ۱۹۲۹ توسط کتابخانهٔ عمومی نیویورک^۱ (ش: Spencer Pers. ms. 2) از یک دلال

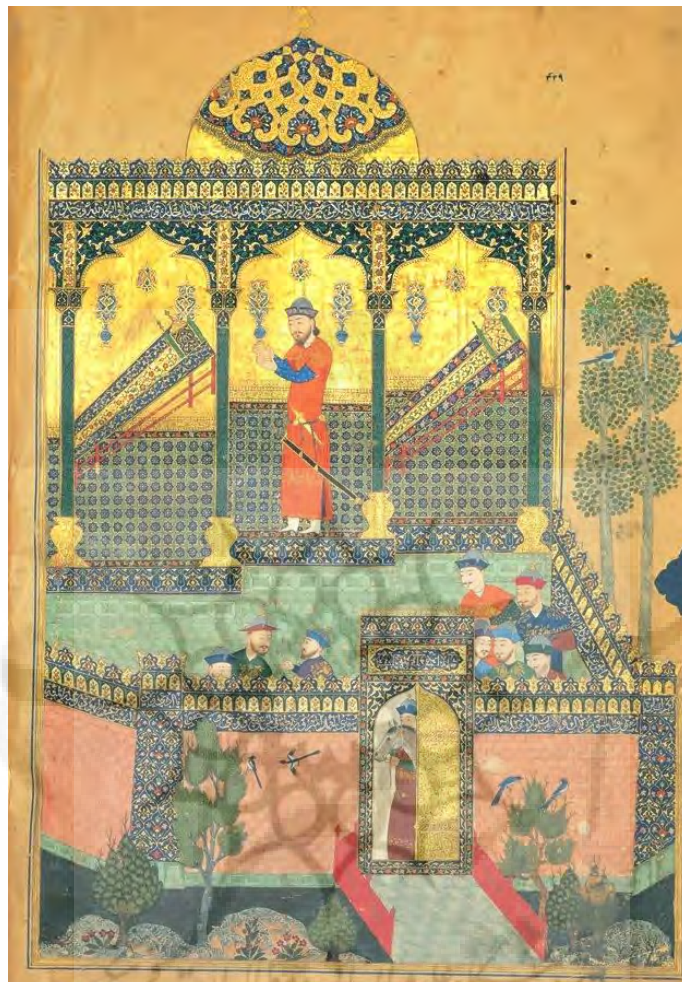
1. New York Public Library.

انگلیسی خریداری شد (Schmitz, 1992: 106؛ و Blair & Bloom, 2009: 76-77). این نسخه با ۶۱۳ برگ در سال ۱۰۲۳/ق/۱۶۱۴م احتمالاً در شیراز توسط محمدعلی برای میرزا محمد شریف به خط نستعلیق کتابت شده است. در اینجا کاتب متن نسخه را استنساخ کرده و فضای خالی برای ۴۴ مجلس تصویر در نظر گرفته اما به هر دلیل، نسخه ناتمام مانده و نقاشی‌ها بدان افزوده نشده است. بعدها تصاویری بر روی تمام این فضاهای خالی به تقلید از شاهنامهٔ معروف بایسنغری محفوظ در کاخ گلستان تهران کشیده شده است. به‌عنوان مثال، نگارهٔ «کیخسرو تاج را به لهراسب می‌بخشد» در این کتاب، به‌طور کامل برگرفته از نقاشی «سوگواری فرامرز بر تابوت رستم و زواره» در شاهنامهٔ بایسنغری است (تصاویر ۳ و ۴)، با این تفاوت که دو تابوت در نگارهٔ اخیر جای خود را به تخت شاهی و گروه درباریان داده است. ذکر این نکته لازم است که چهار کتیبهٔ پایین نگارهٔ نسخهٔ نیویورک در جای بسیار نامناسبی از تصویر قرار گرفته‌اند. اگر نقاشی اصیل می‌بود باید ترتیب مناسبی میان متن و تصویر داده می‌شد، نه این‌که کتیبه‌ها بر روی درگاه ورودی کاخ و برگ‌های درختان قرار بگیرد.

در ابتدا گمان محققان این بود که سبکی از نقاشی در عصر صفوی به تقلید از هنر تیموری معمول بوده است. به همین دلیل، در سال ۱۹۶۱ بازیل گری با چاپ نقاشی‌های نسخهٔ نیویورک، آن را تقلیدی از شاهنامهٔ بایسنغری معرفی نمود که برای شاه عباس اول (حک ۹۹۶-۱۰۳۸/ق/۱۵۸۷-۱۶۲۹م) تولید شده است (Gray, 1961: 166). محققان بعدی از جمله ارنست گروبه نیز این نظر را پذیرفتند و این نقاشی‌ها را «احیای هنر تیموری در عهد شاه عباس» معرفی نمودند (Grube, 1962: 123-125). اما در ۱۹۹۲ باربارا شمیتس نشان داد که در این نقاشی‌ها از پیگمنت‌های مدرن مانند آبی پروس، باریوم سولفات، آلیزارین، زرد ناپل، سبز کروم و زرد کروم استفاده شده و بنابراین آنها را در ربع اول قرن بیستم تاریخ‌گذاری کرد (Schmitz, 1992: 106). نتیجهٔ آزمایش رنگ‌دانه‌ها، کل ماجرای «احیای هنر تیموری در دورهٔ صفوی» را زیر سوال برد!



تصویر ۳. «کیخسرو تاج را به لهراسب می‌بخشد»، برگ ۵۸۰ از نسخه شاهنامه به تاریخ ۱۰۲۳/ق/۱۶۱۴م، کتابخانه عمومی نیویورک (Spencer Pers. ms. 2). (منبع: Gray, 1961: 164).

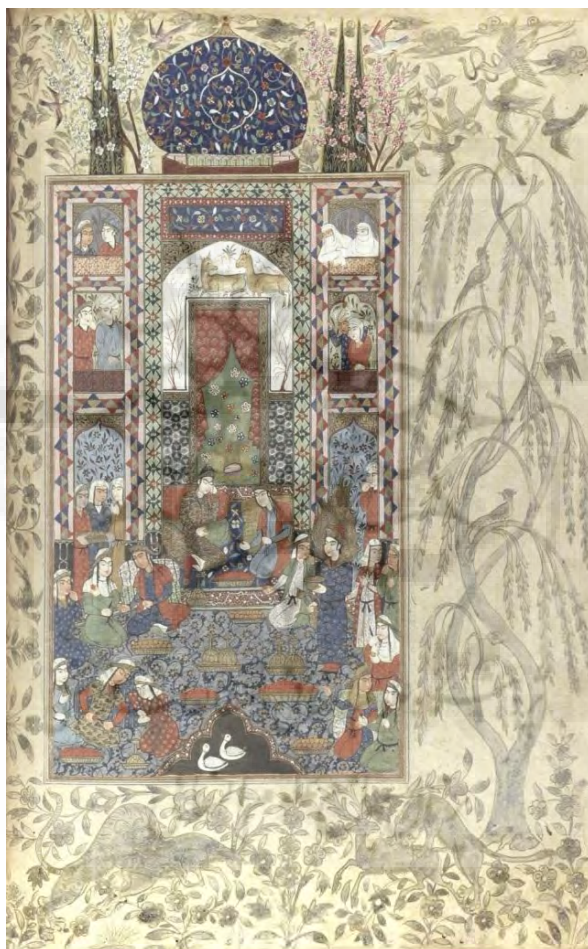


تصویر ۴. «سوگواری فرامرز بر تابوت رستم و زواره»، برگي از شاهنامهٔ بایسنغری، ۸۳۳ق/۱۴۳۰م، کتابخانهٔ کاخ گلستان (ش: ۷۱۶). (منبع: حسینی راد، ۱۳۸۴: ۴۴).

نمونهٔ دیگر، نسخه‌ای از هفت‌اورنگ جامی با ۳۱۰ برگ است که در سال ۱۵۵۲-۱۵۵۳م در کابل توسط چهار کاتب نوشته شده و امروزه در کتابخانهٔ دانشگاه ایندیانا (Allen mss. 11)^۱ در آمریکا محفوظ است. این اثر را می‌توان یکی از

1. Lilly Library of Indiana University, Bloomington.

کهن‌ترین نسخه‌های تاریخ‌دار باقی مانده از عهد گورکانان دانست. به احتمال زیاد در اوایل قرن بیستم، بیست نقاشی به سبک هند و ایرانی قرن یازدهم/ هفدهم به فضاهای خالی در نظر گرفته برای تصویرسازی در آن اضافه شده است (تصویر ۵). رنگ سفید خمیر مانند، ناکامی در ایجاد تقارن در تزیینات معماری در نقاشی‌ها، و زمختی جزئیات چهره‌ها حکایت از مدرن بودن نقاشی‌ها دارد (Gruber 2009: 31; Graves, 2018: 98).



تصویر ۵. «ورود یوسف به بزم زنان مصر»، برگ ۱۷۳ پ از نسخه‌ای از هفت‌اورنگ جامی، ۹۶۰ق/ ۱۵۵۲-۱۵۵۳ م، کابل، نقاشی احتمالاً مربوط به آغاز قرن بیستم، اندازه: ۲۳۲×۳۵۹ میلی‌متر، کتابخانه دانشگاه ایندیانا (ش: Allen mss. 11). (منبع: Gruber, 2009: 32).



تصویر ۶. برگی از یک شاهنامه به تاریخ ۸۳۳ق، نقاشی مربوط به اواخر قرن نوزدهم یا اوایل قرن بیستم، کتابخانه و موزه ملی ملک (ش: ۶۰۳۱)، ص ۶۷۷ (منبع: Mihan, 2018: 399).

گاهی نگاره‌ها نه به محلّ خالی در نظر گرفته شده برای نقاشی در یک کتاب قدیمی، بلکه به هر جای خالی موجود در آن افزوده می‌شدند؛ مانند فضای نانوشتۀ زیر انجامه‌ها و صفحات سفید مانده. نمونهٔ این عملیات، نسخه‌ای از شاهنامه است که برای بایسنغر میرزا (د. ۸۳۷ق) تولید شده و اکنون در کتابخانه و موزه ملی ملک محفوظ است. تنها دو نسخه از شاهنامهٔ تولیدشده برای بایسنغر باقی مانده است که هر دو تاریخ ۸۳۳ق دارند. نسخهٔ مشهورتر در

کتابخانه کاخ گلستان (ش: ۷۱۶) با ۲۲ مجلس تصویر و نسخه دیگر در کتابخانه ملک (ش: ۶۰۳۱) است. نسخه ملک دارای ۵۰۸ برگ و شامل شاهنامه فردوسی و خمسة نظامی است. وجود تنها دو نقاشی در پشت و روی یک برگ نسخه ملک (صفحات ۶۷۶ و ۶۷۷) تردید محققان را در اصالت نسخه برانگیخته و به همین دلیل کمتر مورد توجه واقع شده است. نقاشی اول بر فضای خالی پایین انجامه بخش شاهنامه و نقاشی دوم بر صفحه سفیدمانده پشت آن اجرا شده است (تصویر ۶). به تازگی، شیوا میهن استدلال کرده که در اصالت این نسخه تردیدی نیست، اما دو نقاشی آن در دوره مدرن و با الهام از نقاشی‌های شاهنامه بایسنغری محفوظ در کاخ گلستان، تهیه شده است (Mihan, 2018: 398-415).

گاهی نیز نقاشی‌ها بر روی متن نسخه‌ها افزوده می‌شد. کمتر اتفاق افتاده که جاعلان حرفه‌ای این بلا را بر سر متون معروف ادبی، مانند شاهنامه، خمسة نظامی، کلیات سعدی و غیره، بیاورند، زیرا متن افتاده (که توسط نقاشی پوشانده شده) می‌تواند اصالت آن را دستخوش تردید کند. اما نمونه‌های متعدد از این نوع جعل ناشیانه موجود است که عموماً در داخل ایران باقی مانده و فروش آنها به دلالتان خارجی میسر نشده است. به‌عنوان مثال، دو نسخه به کتابخانه و موزه وزیری یزد اهدا گردیده که اولی دیوان حافظ (به‌شماره ۲۶۹۹) با چهارده نقاشی در دوره صفوی کتابت شده و دومی نسخه‌ای از کلیات سعدی به‌شماره ۴۲۴۵ با سیزده نقاشی خام‌دستانه است.

در برخی موارد، نقاشی‌هایی به نسخه‌های مصور قدیمی اضافه شده است. به‌عنوان نمونه، می‌توان به نسخه‌ای از منافع الحيوان ابن بختیشوع در کتابخانه پیرپونت مورگان^۱ (ش: MS. M. 500) در نیویورک اشاره کرد. این کتاب، طبق انجامه آن، در سال ۶۹۷ق در مراغه کتابت شده است. به‌موجب تحقیقات باربارا شمیتس، در اوایل قرن بیستم، سیزده نقاشی بر روی متن نسخه افزوده شده و تعدادی از ۱۱۳ نقاشی ایلخانی موجود در آن نیز دست‌کاری شده است (Schmitz, 1997: 9-23). (تصاویر ۷ و ۸).

1. Pierpont Morgan Library.



تصویر ۷. برگی از منافع الحيوان ابن بختيشوع، مراغه، ۶۹۷ق/۱۲۹۸م، نقاشی اجرا شده در اواخر قرن نوزدهم، کتابخانهٔ پیرپونت مورگان (ش: MS. M. 500, fol. 47b)، نیویورک. (منبع: <http://ica.themorgan.org/manuscript/page/41/77363>).



تصویر ۸. انجمه نسخهٔ منافع الحيوان ابن بختيشوع، مراغه، ۶۹۷ق/۱۲۹۸م، نقاشی تولید شده در اواخر قرن نوزدهم، کتابخانهٔ پیرپونت مورگان (ش: MS. M. 500, fol. 84a)، نیویورک. (منبع: <http://ica.themorgan.org/manuscript/page/96/77363>).

نمونه دیگری از جعل نقاشی در اوایل قرن بیستم افزودن نقاشی به نسخه‌ها یا مرقعات با امضای یک نقاش ناشناس است. ماریانا شرو سیمپسون آثار یک نگارگر ماهر مدرن را شناسایی کرده که با امضای «ترابی بیک خراسانی» بر روی نسخه‌های قدیمی نقاشی می‌کرده است (Simpson, 2008). او با الهام از آثار نقاشان تیموری و صفوی، مانند کمال‌الدین بهزاد، سلطان محمد، شیخ‌زاده و رضا عباسی، کار کرده است. سیمپسون شماری از آثار این جَعّال را بدین شرح شناسایی کرده است:

- نسخه‌ای از خمسه امیر خسرو دهلوی که در ربیع‌الثانی ۹۳۰ق در دارالسلطنه هرات توسط علی‌الحسینی کتابت شده است (تصویر ۹). این کتاب با هشت نقاشی مصور شده که یکی از آنها امضای «ترابی بیک خراسانی» دارد. در سال ۱۹۲۵، این نسخه توسط روبرت گرت خریداری شد و امروزه در مجموعه گرت در کتابخانه دانشگاه پرینستون^۱ (ش: 84G) محفوظ است (همان: تصاویر ۱ تا ۴).

- نسخه‌ای از بوستان سعدی با چهار نقاشی و یک انجامه ساختگی به تاریخ ۷۷۹ق، که علی‌التبریزی آن را برای امیر تیمور گورکان کتابت کرده، و امروزه در بنیاد دوریس دوک در هانالولو^۲ (ش: 10.7) در آمریکا نگهداری می‌شود (همان: تصاویر ۲۰-۲۲).

- نگاره‌هایی در هفت برگ مرقع، که به‌عنوان آثار «ایرانی قرن هفدهم» در سال ۱۹۲۲ توسط جان فردریک لوئیس^۳ خریداری شد و اکنون در کتابخانه آزاد فیلادلفیا^۴ (ش: 0 263-268, 0 270) نگهداری می‌شود (همان: تصاویر ۶، ۷، ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۱۹).
- تک‌نگاره‌ای از یک «زاهد» با امضای «ترابی» در موزه رضا عباسی تهران (ش: ۶۳۳)، (همان: تصویر ۲۸).

- تک‌نگاره «مرد نشسته» با امضای «ترابی بیک خراسانی» در کتابخانه آزاد فیلادلفیا (ش: 0 90). (همان: تصویر ۳۰).

1. The Garrett Collection at the Firestone Library of Princeton University.

2. Doris Duke Foundation for Islamic Art, Shangri La, Honolulu.

3. John Frederick Lewis.

4. Free Library of Philadelphia.



تصویر ۹. «ملاقات شیرین و فرهاد»، خمسه امیر خسرو دهلوی، ۹۳۰ق/۱۵۲۴م، هرات، نقاشی خلق شده در آغاز قرن بیستم توسط هنرمندی ناشناس با امضای «ترابی بیک خراسانی»، مجموعه گرت در کتابخانه دانشگاه پرینستون (84G, fol. 1b). (منبع: Simpson, 2008: 364).

۳.۲. کتب مُثله شده

شاید بتوان گفت که حرفه‌ای‌ترین نمونهٔ جعل نسخ خطی در کتب مصوّر مُثله شده قابل ردگیری است. در این گونه از نسخ که نقاشی‌های اصیل و قدیمی دارند تعدادی نقاشی جعلی به سبک نقاشی‌های اصلی به آنها اضافه شده تا تعداد صفحات مصوّر آنها زیاد شود. پس از تأیید اصالت این نسخه‌ها توسط محققان سرشناس، شیرازهٔ آنها باز شده و اوراق آنها

به صورت جدا جدا با قیمت‌های هنگفت در حراجی‌ها فروخته شده است. امروزه چنین تک‌برگ‌هایی بر دیوار بسیاری از موزه‌ها از تهران تا نیویورک به عنوان آثار تاریخی ایران جا خوش کرده‌اند. برای مثال، می‌توان به نسخه پراکنده مجمع التواریخ - جامع التواریخ اثر حافظ ابرو و رشیدالدین اشاره کرد که در کتابخانه شاهرخ کتابت شده است. این نسخه حداقل ۴۰۷ برگ داشته و تا دسامبر ۱۹۲۶ که در «نمایشگاه بین‌المللی هنر ایران در موزه پنسیلوانیا»^۱ به نمایش درآمد، شیرازه آن باز نشده بود (Ghiasian, 2015: 873). نسخه دارای ۱۵۰ برگ مصور بوده و توسط محققان به عنوان نسخه مهمی از «جامع التواریخ» با مُهر «مِن کتب خزانه السلطان الاعظم شاهرخ بهادر» معرفی شد (Martinovitch, 1935: 218). بلافاصله پس از آن نمایشگاه، نسخه به دو پاره تقسیم شده و به تملک دو دلال در پاریس و نیویورک درآمد.^۲ این دو مجموعه دار نسخه را مُثله کرده و فروش اوراق مصور آن را قبل از سال ۱۹۲۸ آغاز کردند (Ghiasian, 2018a: 90).

۲۳۸ برگ نامصور نسخه پراکنده در مجموعه بنیاد هنر و تاریخ^۳ - که امروزه به طور امانی به گالری هنر فریر/سکلر در واشنگتن سپرده شده - نگهداری می‌شود، و اوراق مصور آن به طور گسترده‌ای در بیش از پنجاه مجموعه عمومی و خصوصی در سراسر جهان پراکنده شده است. پس از سال‌ها جست‌وجو، از تعداد ۱۵۰ برگ مصور این نسخه ۱۴۹ برگ شناسایی شده است (نک. غیاثیان، ۱۳۹۹). با مطالعه سبک‌شناسی نقاشی‌ها، مقایسه متن این نسخه با سایر نسخ و نیز ارتباط متن و تصویر مشخص شد که تنها ۷۹ برگ مصور این کتاب محصول کتابخانه شاهرخ، و مابقی جعل یا دست‌کاری‌های ربع اول قرن بیستم است. نگارنده با بررسی این اوراق در مجموعه دیوید در کپنهاگ دریافت که ظاهراً جاعل با تراشیدن نوشته‌ها، ۶۰ نقاشی را بر اوراق نسخه ترسیم کرده است. او تلاش کرده تا نقاشی‌ها را به گونه‌ای بیفزاید که جملات در بالا و پایین تصاویر کامل باشند. منبع الهام نقاشی‌های مجعول، نگاره‌های اصلی موجود در خود نسخه بوده است. در بسیاری از موارد، نقاشی‌های

1. International Exhibition of Persian Art, Pennsylvania Museum.

2. Emile Tabbagh, Parish-Watson.

3. Art and History Trust Collection.

فصول آغازین نسخه، تقلیدی از نقاشی‌های اواخر کتاب هستند و بالعکس. به‌عنوان مثال، یک نقاشی بر روی برگ، با عنوان «ذکر فرزندان و ذریهٔ آدم علیه‌السلام»، اضافه شده که ملهم از یک نقاشی از تاریخ زندگانی بودا با عنوان «در خبر دادن شاکمونی از پیغامبر دیگر» است (تصاویر ۱۰ و ۱۱).



تصویر ۱۰. «در خبر دادن شاکمونی از پیغامبر دیگر» بخشی از یک برگ از نسخهٔ پراکندهٔ مجمع التواریخ - جامع التواریخ، هرات، حدود سال ۸۳۰ ق/۱۴۲۶ م، موزه هنر متروپولیتن (ش: 57.51.37.1). (منبع: www.metmuseum.org).

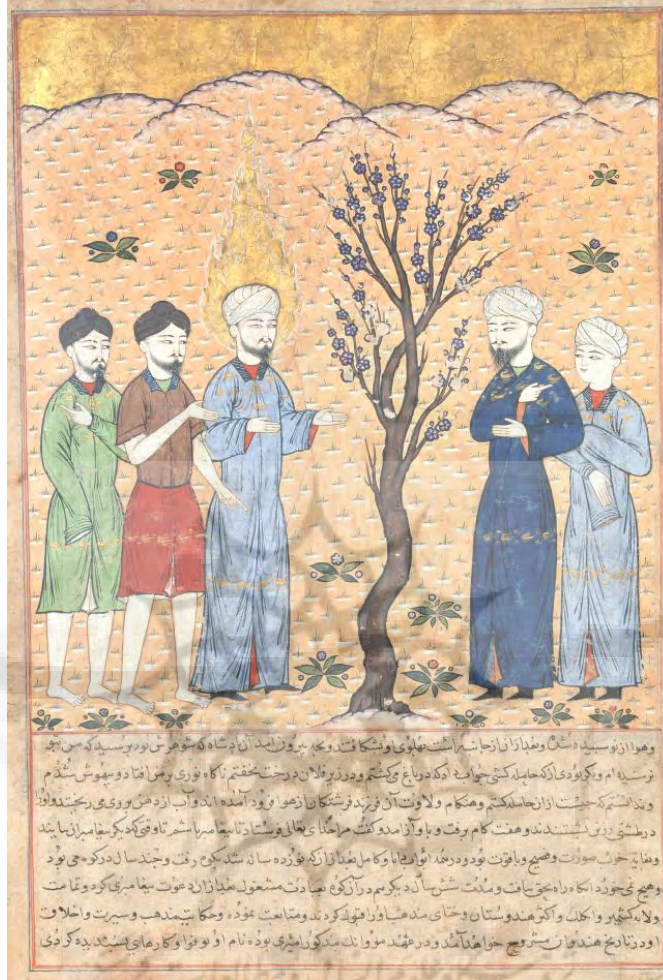


تصویر ۱۱. «ذکر فرزندان و ذریه آدم علیه السلام»، بخشی از یک برگ از نسخه پراکنده مجمع التواریخ-جامع التواریخ، نقاشی ترسیم شده در ربع اول قرن بیستم، موزه هنر کلیولند (ش: 1945.384).
(منبع: www.clevelandart.org/art/1945.384.b).

اغلب نقاشی‌های مجعول این نسخه، ترکیب‌بندی‌های تکراری و کلیشه‌ای دارند و در بیشتر موارد ارتباطی با متن ندارند. به‌عنوان مثال، در موزه رضا عباسی، شش برگ مصور از نسخه پراکنده یادشده وجود دارد که متأسفانه همگی مجعول هستند (نک. غیاثیان، ۱۳۹۹: جدول ۱). دو تصویر از این مجموعه «ذکر کفالت ابوطالب را و قصه بحیرا راهب» و «امام علی^(ع) و پیروان او» شامل ترکیب‌بندی‌های کاملاً تکراری هستند (تصاویر ۱۲ و ۱۳). در هر دو نقاشی یک درخت در میان تصویر و دو نفر در سمت راست و سه نفر در سمت چپ در منظره‌ای با پوشش گیاهی یکسان و افق رفیع دیده می‌شوند. بر اساس متن ذیل نقاشی، حضرت رسول^(ص) در نقاشی «ذکر کفالت ابوطالب» باید به‌صورت نوجوانی ده‌ساله نمایش داده می‌شد. علاوه بر این، در نقاشی‌های تولید شده در کتابخانه شاهرخ فقط پیامبران هاله‌های تقدس دارند. گذاشتن هاله شعله‌سان برای ابوطالب و امام علی^(ع) در کتابی که نوشته مورخان سنی مذهب است، اشتباه جاعلان را می‌رساند.



تصویر ۱۲. «ذکر کفالت ابوطالب راضی علیه و سلامه و قصه بحیرا راهب» برگی از نسخهٔ پراکندهٔ مجمع التواریخ - جامع التواریخ، نقاشی اجرا شده در ربع اول قرن بیستم، موزهٔ رضا عباسی (ش: ۲۸۴۱) تهران. (منبع: موزهٔ رضا عباسی).



تصویر ۱۳. «امام علی (ع) و پیروان او»، برگگی از نسخه پراکنده مجمع التواریخ - جامع التواریخ، نقاشی اجراشده در ربع اول قرن بیستم، موزه رضا عباسی (ش: ۲۸۳۴) تهران. (منبع: موزه رضا عباسی).

اتفاق عجیب دیگری که در این نسخه رخ داده این است که ده طراحی از بخش تاریخ چین در فصل‌های نامرتبط کتاب راه یافته است. مشابه نسخه جامع التواریخ کتابت شده در ربع رشیدی، بخش تاریخ چین نسخه پراکنده حاوی حدود بیست صفحه مصور با تصاویر پادشاهان است (تصویر ۱۴). بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعدادی از این طراحی‌ها از بخش تاریخ چین برش خورده و در اوراق نامصور نسخه مذکور وصال شده‌اند. با این ترفند، هر

برگ از تاریخ چین توانسته بین دو تا سه برگ نامصوّر را تصویردار کند و تعداد اوراق مصوّر کتاب را افزایش دهد. مثلاً تصویری از دو پادشاه طبقه بیست و یکم چین با ذکر نام و مدت زمان حکومت آنها بر برگی متعلق به تاریخ ساسانیان، که عنوان «ذکر پادشاهی یزدجرد بن بهرام» دارد، چسبانده شده است (تصویر ۱۵).

مسئلاً جاعلان و دلالانی که این جرم فرهنگی را مرتکب شده‌اند، می‌دانستند که با فروش اوراق مصوّر نسخه به صورت تک برگ به منفعت بسیار بیشتری می‌رسند. با جست‌وجو در تاریخچهٔ حراجی‌های لندن می‌توان قیمت‌های نسخ خطی کامل و تک برگ‌ها را با هم مقایسه کرد. مثلاً، نسخه‌ای از خمسهٔ نظامی با ۲۹۰ برگ و ۱۱ نقاشی که برای شاهرخ تولید شده، به سال ۱۹۹۶ در حراجی بونهامز ۶۰ تا ۸۰ هزار پوند قیمت‌گذاری شد (نک. Sims, 1996)، در حالی که تنها یک برگ مصوّر مجعول از نسخهٔ پراکندهٔ مورد بررسی در حراجی کریستی (سال ۲۰۱۳) به قیمت ۱۸۷۵۰ پوند به فروش رفت (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۴. یک برگ دست‌کاری نشده از بخش تاریخ چین نسخهٔ پراکندهٔ مجمع التواریخ - جامع التواریخ، هرات، حدود سال ۸۳۰ق/۱۴۲۶م، کتابخانهٔ پرینستون (ش: 89Gb). (منبع: کتابخانهٔ پرینستون)



تصویر ۱۵. یک برگ وصالی شده از بخش تاریخ چین نسخه پراکنده مجمع التواریخ - جامع التواریخ، حراجی بونهامز، ۶ اکتبر ۲۰۰۸ رقم ۷. (منبع: www.bonhams.com)

SALE 1117
CHRISTIE'S Art of the Islamic and Indian Worlds
 London | 25 April 2013

LOT 92 | PROPERTY OF A PRIVATE AMERICAN COLLECTOR

**MUSLIMS RECEIVED AT THE
 ABYSSINIAN COURT**
 TIMURID HERAT, CIRCA 1426

Price realised ①
GBP 18,750

Estimate ②
GBP 8,000 - GBP 12,000

تصویر ۱۶. برگي از نسخه پراکنده مجمع التواریخ - جامع التواریخ با نقاشی مجعول («ذکر رفتن مسلمانان به دیار حبشه») در حراجی کریستی لندن. (منبع: www.christies.com).

نتیجه

جعل در نسخ خطی پدیده‌ای است که هم در دوره‌های تاریخی و هم در دوران مدرن (از اواخر قرن نوزدهم به بعد) اتفاق افتاده است. مهم‌ترین تفاوت جعل در دوران مدرن با سده‌های ماقبل در این است که عملیات جعل در یکی دو قرن اخیر برای فروش نسخ در بازار انجام شده است. به همین دلیل، جاعل به دنبال فریب مشتریان (و نهایتاً، محققان) بوده و تلاش می‌کرده که اثری از هویت خود به‌جا نگذارد و کار خود را به‌گونه‌ای انجام دهد که از نظر سبک‌شناسی (اعم از خوشنویسی، نقاشی و سایر جنبه‌های هنری) متعلق به دورهٔ تاریخی خاصی به نظر برسد؛ در حالی که دست‌کاری‌های نسخ خطی در دوره‌های تاریخی با مطالعات نسخه‌شناختی بهتر قابل ردیابی‌اند.

جعل نسخ خطی را می‌توان به دو گونهٔ «تولید نسخهٔ کامل» و «دست‌کاری نسخ قدیمی» دسته‌بندی کرد. نسخهٔ اندرزنامه به‌خوبی نشان می‌دهد که جعل یک نسخهٔ کامل کاری پُرخطر برای جاعلان بوده است، کما این که نسخهٔ مورد نظر یک دهه پس از ظهور در بازار، اثر جعلی تولیدشده در قرن بیستم شناخته شد. به همین سبب، جعل یک نسخهٔ کامل در مقایسه با دست‌کاری نسخ بسیار کمتر بوده است. «دست‌کاری نسخ قدیمی» یا در حوزهٔ متن بوده است (مانند دست‌کاری یا افزودن انجامه‌ها، ترقیمه‌ها، شمسه‌ها و کتیبه‌های مذهب) یا به‌صورت افزودن نقاشی به کتب مصوّر یا نامصوّر (جدول ۱). از آنجا که نسخه‌های مصوّر قیمت بالاتری داشتند، افزودن نقاشی به کتب قدیمی مصوّر یا نامصوّر رواج بیشتری داشته است. این عمل افزایش را می‌توان حداقل به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد: ۱. به فضاهای خالی در نظر گرفته شده برای نقاشی در یک نسخهٔ ناتمام، ۲. به فضاهای خالی موجود در یک نسخه (مانند زیر انجامه‌ها، حاشیه‌ها و صفحات آغازین یا پایانی فصول کتاب)، ۳. بر روی متن کتاب، ۴. وصالی کردن نقاشی‌ها بر صفحات نامصوّر (جدول ۲).

افزودن نقاشی‌ها گاهی به‌صورت حرفه‌ای‌تر انجام شده، به‌گونه‌ای که تا سال‌های اخیر حتی محققان و موزه‌داران را هم فریب داده است. گاهی نیز چنان ناشیانه بوده که جَعّال

نتوانسته مصنوعات خود را به دلالتان خارجی بفروشد. این دست کتاب‌های مجعول در ایران باقی مانده و اغلب به کتابخانه‌ها اهدا شده است. یکی از عوامل توفیق جعل‌های حرفه‌ای مثله شدن نسخه‌ها و فروش اوراق آنها به صورت تک‌برگ در حراجی‌ها بوده است. در این موارد فرصت بررسی نسخه کامل توسط محققان وجود نداشته است.

نسخه‌های دوره تیموری و بعد از آن بیشتر در معرض دستبرد جعلان قرار می‌گرفت، زیرا فراوان‌تر به دست می‌آمد. نقاشی‌های جعلی گاهی برای حدود یک دهه و گاهی برای یک قرن محققان را گمراه کرده‌اند. چنین آثاری به برداشت و تصور محققان از سیر تکامل هنر نگارگری آسیب رسانده است. مثلاً، وجود نقاشی‌هایی به سبک تیموری در نسخ خطی دوره صفوی (مانند شاهنامه کتابخانه عمومی نیویورک) سبب شد تا محققان آن را «احیای هنر تیموری در عهد صفوی» بنامند. معمولاً جعلان تلاش می‌کردند که نقاشی‌های قدیمی را بازتولید کنند. به همین دلیل، حالات چهره‌ها و ترکیب‌بندی‌ها در اغلب این نقاشی‌ها تکراری و کلیشه‌ای هستند. با حذف این نقاشی‌های کلیشه‌ای از کتب نوشته شده در باب تاریخ نقاشی ایران می‌توان تصور صحیح‌تری از سیر تکامل این هنر داشت.

جدول ۱. دسته‌بندی جعل در نسخ خطی ایران

نوع جعل	انگیزه‌های احتمالی
۱ تولید یک نسخه کامل	- عرضه کردن کهن‌ترین نسخه یک اثر - کشف یک اثر مفقود از یک مؤلف
۲ دست‌کاری یا افزودن انجامه‌ها، ترقیمه‌ها، شمسه‌ها و کتیبه‌های مذهب	- ارائه یک نسخه به‌عنوان دستخط خود مؤلف یا یک عالم مشهور در زمان متأخرتر - ارائه یک کتاب به‌عنوان نسخه متعلق به خود مؤلف
۳ افزودن نقاشی به کتب قدیمی مصور یا نامصور	- ارزشمندتر کردن یک نسخه خطی - مثله کردن اوراق مصور و فروش آنها به صورت تک‌برگ در بازار حراجی‌ها

جدول ۲. شیوه‌های گوناگون افزودن نقاشی‌های جعلی به نسخ خطی قدیمی

شیوه‌های افزودن نقاشی‌ها	دوره	نمونه‌ها
۱ به فضاهای خالی در نظر گرفته شده برای نقاشی در یک نسخهٔ ناتمام	تاریخی:	جامع التواریخ کتابخانهٔ کاخ توپکاپی (خزینه ۱۶۵۴)
		جامع التواریخ کتابخانهٔ کاخ توپکاپی (خرینه ۱۶۵۳)
	مدرن:	شاهنامه کتابخانهٔ عمومی نیویورک
		هفت‌اورنگ جامی در کتابخانهٔ دانشگاه ایندیانا
		بوستان سعدی در بنیاد دوریس دوک
۲ به هر جای خالی موجود در یک نسخه (مانند زیر انجابه‌ها، حاشیه‌ها و صفحات آغازین یا پایانی فصول کتاب)	مدرن:	شاهنامهٔ بایسنغری کتابخانه و موزهٔ ملک
		منافع الحيوان کتابخانهٔ پیرپونت مورگان
		نسخهٔ پراکندهٔ جامع التواریخ - مجمع التواریخ
		خمسهٔ امیر خسرو دهلوی در کتابخانهٔ دانشگاه پرینستون
۳ بر روی متن کتاب	تاریخی:	بخش شاهنامهٔ نسخهٔ خزینه ۱۵۱۰ در کتابخانهٔ کاخ توپکاپی
	مدرن:	نسخهٔ پراکندهٔ جامع التواریخ - مجمع التواریخ
		کلیات سعدی در کتابخانه و موزهٔ وزیری یزد
		(۴۲۴۵)
		دیوان حافظ در کتابخانه و موزهٔ وزیری یزد
		(۲۶۹۹)
۴ وصالی کردن نقاشی‌ها بر صفحات نامصوّر	مدرن:	نسخهٔ پراکندهٔ جامع التواریخ - مجمع التواریخ

منابع

- حسینی راد، عبدالمجید (ویراستار) (۱۳۸۴). شاهکارهای نگارگری ایران. تهران، موزهٔ هنرهای معاصر.
- غیاثیان، محمدرضا (۱۳۹۸). جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی (کتابت ۷۱۴هـ ق) و مجمع التواریخ حافظ ابرو (کتابت ۸۲۹هـ ق)، ۴ ج. تهران: میراث مکتوب.

- _____ (۱۳۹۹). «دست‌کاری‌های دلالت‌آور هنری در نسخه پراکنده مجمع التواریخ». نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، (زیر چاپ).
- قزوینی، میرزا محمدخان (۱۳۳۲). «یک عهدنامه مصنوعی». ایرانشهر، ش ۱۲: ۷۳۶-۷۴۷.
- مینوی، مجتبی (۱۳۳۵). «کاپوس نامه فرای: تمرینی در فن تزویرشناسی». یغما، ش ۹: ۴۴۸-۴۶۵.
- _____ (۱۳۴۲)، تجدید چاپ: (۱۳۸۱). «یادداشتی از استاد مجتبی مینوی درباره تعدادی از نسخه‌های جعلی». نامه بهارستان، س ۳، ش ۵: ۱۹۱-۱۹۲.
- Briggs, S. Martin, Laurence Binyon, A. F. Kendrick, Leigh Ashton, and Bernard Rackham (1931). "The Persian Exhibition". *The Burlington Magazine for Connoisseurs* 58, no. 334: 2-45.
- Blair, Sheila S. (2011). "Forgeries iii. of Islamic Art". *Encyclopædia Iranica*, online edition, available at: <http://www.iranicaonline.org/articles/forgeries-iii> (accessed on 6 December 2019).
- Blair, Sheila & Jonathan M. Bloom (2009). "Forgeries". in: *The Grove Encyclopedia of Islamic Art and Architecture*, eds. id., vol. 2: 76-77. New York: Oxford University Press.
- Ettinghausen, Richard (1971). "The Andarz Nama: A. Some Remarks on the Style and the Iconography". in: *A Survey of Persian Art: From Prehistoric Times to the Present*, eds. Arthur Upham Pope & Phyllis Ackerman, vol. 13: 11-15. Tehran: Soroush Press.
- Frye, R. N. (1971). "The Andarz Nama: B. The Text". in: *A Survey of Persian Art: From Prehistoric Times to the Present*, eds. Arthur Upham Pope & Phyllis Ackerman, vol. 13: 16-18. Tehran: Soroush Press.
- _____ (1974). "Islamic Book Forgeries from Iran". In: *Islamwissenschaftliche Abhandlungen Fritz Meier zum sechzigsten Geburtstag*, ed. R. Gramlich, 106-109. Wiesbaden: Steiner.
- Gettens Rutherford J. (1971). "The Andarz Nama: F. Preliminary Technical Examination". in: *A Survey of Persian Art: From Prehistoric Times to the Present*, eds. Arthur Upham Pope & Phyllis Ackerman, vol. 13: 53-63. Tehran: Soroush Press.
- Ghiasian, Mohamad Reza (2015). "The 'Historical Style' of Painting for Shahrukh and Its Revival in the Dispersed Manuscript of *Majma' al-Tawarikh*". *Iranian Studies* 48, no. 6: 871-903.
- _____ (2018a). *Lives of the Prophets: The Illustrations to Hafiz-i Abru's "Assembly of Chronicles"*. Leiden, Boston: Brill.
- _____ (2018b). "The Topkapı Manuscript of the *Jami' al-Tawarikh* (Hazine 1654) from Rashidiya to the Ottoman Court: A Preliminary Analysis". *Iranian Studies* 51, no. 3: 399-425.

- Graves, Margaret S. (2018). "Fracture, Factice, and the Collecting of Islamic Art". In: *Faking, Forging, Counterfeiting: Discredited Practices at the Margins of Mimesis*, eds. Daniel Becker, Annalisa Fischer & Yola Schmitz, 91-110. Bielefeld: transcript Verlag.
- Gray, Basil 1961 (repr. 1977). *Persian Painting*. New York, Skira Rizzoli
- Grube, Ernst J. (1962). *Muslim Miniature Paintings from the XIII to XIX Century: from Collections in the United States and Canada*. Venezia: Pozza.
- Gruber, Christiane (2009). "Introduction: Book Arts in Indiana University Collections". in: *The Islamic Manuscript Tradition: Ten Centuries of Book Arts in Indiana University Collections*, ed. id., 3-50. Bloomington, IN: Indiana University Press.
- Hillenbrand, Robert (2016): "The Scramble for Persian Art: Pope and His Rivals". In: *Arthur Upham Pope and a New Survey of Persian Art*, ed. Yuka Kadoi, 14-45. Leiden: Brill.
- Kadoi, Yuka (ed.), (2016). *Arthur Upham Pope and a New Survey of Persian Art*. Leiden: Brill.
- Marteau, Georges, & Henri Vever (1913). *Miniatures Persanes tires des collections de MM. Henry D'Allemagne, Claude Anet, Henry Aubrey [and others] et exposes au Muse des Arts Decoratifs Juin-Octobre 1912*, 2 vols. Paris: Bibliothque d'Art et d'Archologie.
- Martinovitch, Nicholas N. (1935). "Die verlorene Handschrift von Rašīd ad-Dīn". *Artibus Asiae* 5, no. 2/4: 213-221.
- Mihan, Shiva (2018). "The Baysunghuri Manuscript in the Malek National Library". in: *Shahnama Studies III: The Reception of the Shahnama*, eds. Gabrielle van den Berg & Charles Melville, 373-419. Leiden, Boston: Brill.
- Pope, Arthur U. & Phyllis Ackerman (1938, repr. 1977). *A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present*. Tehran: Soroush Press.
- Pope, Arthur Upham & Phyllis Ackerman (eds.) (1971). *A Survey of Persian Art: From Prehistoric Times to the Present, vol. 13, Fascicle, Addendum A. The Andarz Nama; Proceedings, the 4th International Congress of Iranian Art and Archaeology, April 24-May 3, 1960*. Tehran: Soroush Press.
- Qazvīnī, Mīrzā Muḥammad (1910). *Revised Translation of the Chahār Maqāla*. by Niẓāmī 'Arūzī. Leiden: E. J. Brill and London: Luzac.
- Rice, D. S. (1955). *The Unique Ibn al-Bawwāb Manuscript in the Chester Beatty Library*. Dublin: Emery Walker.
- Richard, Francis (2011). "Forgeries iv. of Islamic Manuscripts". *Encyclopædia Iranica*, online edition, available at: <http://www.iranicaonline.org/articles/forgeries-iv> (accessed on 6 December 2019).
- Roxburgh, David J. (2005). *The Persian Album, 1400-1600: From Dispersal to Collection*. New Haven & London: Yale University Press.
- Sarre Friedrich & Frederik Robert Martin (eds.) (1912, repr. 1984). *Die*

- Ausstellung von Meisterwerken muhammedanischer Kunst in München 1910*, 3 vols. London: Alexandria Press.
- Schmitz, Barbara (1992). *Islamic Manuscripts in the New York Public Library*. New York, Oxford: Oxford University Press.
 - _____ (1997). *Islamic and Indian Manuscripts and Paintings in the Pierpont Morgan Library*. New York: Pierpont Morgan Library.
 - Simpson, Marianna Shreve (2008). "Mostly Modern Miniatures: Classical Persian Painting in the Early Twentieth Century". *Muqarnas* 25: 359-95.
 - Sims, Eleanor (1996). "A Timurid Manuscript of Nizami's *Khamseh* from the Library of the Timurid Sultan Shah Rukh, Persia, Circa 1420-1425". *Bonhams, Oriental and European Rugs and Carpets and Islamic Works of Art*, October 15-16, 1996, Lot 491: 58-68.
 - Siver, Noel (2005). "Pope, Arthur Upham". *Encyclopædia Iranica*, online edition, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/pope-arthur-upham> (accessed on 26 January 2020).
 - Soucek, Priscilla P., & Filiz Çağman (1995). "A Royal Manuscript and Its Transformation: The Life History of a Book". In: *The Book in the Islamic World: The Written Word and Communication in the Middle East*. ed. George N. Atiyeh, 179-208. Albany: State University of New York.
 - Vernoit, Stephen (ed.) (2000). *Discovering Islamic Art: Scholars, Collectors and Collections, 1850 - 1950*. London: I.B. Tauris Publishers.